

تاریخ: ۱۳۷۶/۲/۲۸

## بیانیه در مورد هفتمین انتخابات ریاست جمهوری

به نام خدا

### رأی اعتراض «سفید»

هموطنان عزیز

زورمندان بر قدرت نشسته بار دیگر حقوق مردم را نادیده گرفته و با نقض میثاق قانون اساسی که حاکمیت را متعهد به رعایت حقوق و آزادیهای اساسی مردم نموده است، سوگندی را که برای اجرای مفاد قانون اساسی به کلام خدا یاد کرده‌اند به فراموشی سپرده‌اند و از مشارکت نامزدهای غیروابسته به حاکمیت در هفتمین انتخابات ریاست جمهوری ممانعت به عمل آورده‌اند. در صورتی که در مقدمه قانون اساسی زیر عنوان «شیوه حکومت در اسلام» آمده است:

«... قانون اساسی تضمین‌گر نفی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط

گسستن از سیستم استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند...»

پس حکومت باید برگزیده مردم و برخاسته از آراء آنان باشد و لاغیر.

### «در چنین اوضاع و شرایطی در انتخابات شرکت می‌کنیم.»

ما به اصول و آرمانهای اصیل انقلاب وفادار بوده و خود را ملتزم به رعایت قانون اساسی که تأمین و تضمین‌کننده حقوق و آزادیهای مردم است می‌دانیم و همواره این حق قانونی برای مردم ایران محفوظ است که در چارچوب قانون، موارد نقض آن را که مغایر با ارزیابی‌های کارشناسانه خواهد شد اعلام و منتشر نماید تا جایی که اعتقادات آنان بتواند مبنای تغییرات قانونی آن قوانین شود. با این توصیف است که ما معتقد هستیم برای مخالفین با حکومت و دگرانديشان که از ملت برخاسته‌اند، راهی جز تلاش قانونی در راستای بهبود اموری که با سرنوشت سیاسی - اقتصادی - فرهنگی کشور ارتباط دارد باقی نمی‌ماند.

براساس این باور بود که جناب آقای دکتر یدالله سبحانی از شخصیت‌های برجسته ملی در بیانیه‌ای از مردم خواستند که در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده و برای استیفای حقوقی که قانون برای آنها تعیین نموده است، مصرانه از هیئت حاکمه طلب نمایند. بر این پایه آقایان مهندس عزت‌الله سبحانی، مهندس علی‌اکبر معین‌فر و دکتر ابراهیم یزدی برای کاندیداتوری ریاست جمهوری داوطلب شده و نام‌نویسی کردند. روز پنجشنبه مورخ ۷۶/۰۲/۱۸ سخنگوی شورای نگهبان نظر اعضاء شورا را در امر رسیدگی به صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری که تعداد آنها ۲۳۸ نفر بوده است اعلام نمود و مشخص شد که از بین داوطلبین، فقط ۴ نفر از کاندیداهای «مطلوب حاکمیت» صلاحیتشان مورد تأیید قرار گرفته و بقیه ۲۳۴ نفر دیگر به علل واهی صلاحیتشان مورد تأیید قرار نگرفته است!!

این اولین بار نیست که شورای نگهبان برخلاف قانون اساسی گام برداشته است و در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری برخلاف وظیفه خود از جناح خاصی در حاکمیت حمایت نموده است و به این ترتیب اعتبار شورای نگهبان را زیر سؤال برده است.

حال این حق مسلم مردم است که بگویند یا بپرسند:

۱- چرا شورایی که نام «نگهبان قانون اساسی» بر آن گذارده شده است و طبق قانون اساسی وظیفه دارد که در حسن اجرای انتخابات نظارت کند، خود را قیم مردم دانسته و عده معینی را مورد قبول و تأیید قرار می‌دهد و مردم را ناگزیر می‌سازد که فقط به کسانی رأی دهند که صلاحیت آنان از صافی شورای مذکور گذشته باشد؟

۲- چرا شورای نگهبان برخلاف اصل تفکیک قوای ثلاثه، ملغمه‌ای از افراد سه قوه!! از معاون ریاست جمهوری، معاون دستگاه قضائیه و رئیس سازمان ثبت املاک و اعضای رهبری مؤتلفه اسلامی و جامعه روحانیت را به عنوان عضو در خود جای داده است و عملاً از خط بی‌طرفی خارج شده است؟

۳- چرا شورای نگهبان با قیم دانستن خود به مردم آزاده و مبارز و فهیم کشورمان توهین و تحقیر روا داشته است و رفتاری را برگزیده است که این نوع رفتارها درباره مهاجرین روا و رعایت می‌شود؟

۴- شورای نگهبان علت رد صلاحیت ۲۳۴ نفر را دارا نبودن حداقل شرایط مصرح در اصل ۱۱۵ قانون اساسی در این افراد می‌داند، در حالی که در میان آنان شخصیت‌های سیاسی و مذهبی شناخته شده‌ای هستند که سالیان دراز علیه استبداد سلطنتی و در راستای منافع ملی مبارزه کرده و می‌کنند. طعم تلخ زندان و آوارگی را چشیده‌اند. از اعضای شورای انقلاب و از مهندسين انقلاب بوده‌اند. عده‌ای از این کاندیداها که صلاحیت آنها تأیید نشده است در زمانهای خیلی نزدیک نماینده مجلس شورا و یا مأمورین دولت جمهوری اسلامی در نهادهای بین‌المللی بوده و یا اساتیدی هستند که در کادر علمی دانشگاه‌های کشورمان بوده و هنوز هستند و به تدریس و راهنمایی هزاران دانشجو مشغول هستند.

۵- در اصل ۱۱۵ قانون اساسی آمده است که رئیس جمهور باید «از میان رجال مذهبی و سیاسی، ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور» باشند، انتخاب گردد. شورای نگهبان باید صلاحیت کسانی را که واجد این شرایط هستند، تأیید کند، تشخیص سایر شرایط آن با مردم است. هیچ شرط دیگری را هیچ شخص و مقامی نمی‌تواند به آن اضافه کند. هر گونه اجتهادی خارج از شرایط مذکور در بالا مغایر نص صریح قانون و منافی اساس حکومت مردمی و تجاوز به حقوق ملت محسوب می‌شود.

۶- در اصل ۲۰ قانون اساسی با صراحت تمام اعلام گردیده است: «همه افراد ملت... از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند» این صراحت‌ها چگونه است. کسانی را که هیچ منع قانونی ندارند فاقد صلاحیت می‌شوند. آیا این شورا که نام «نگهبان قانون اساسی» بر روی آن گذاشته‌اند، خود برای تخطی بر مواد قانون اساسی از دیگران پیشی نگرفته‌اند؟!

۷- داوطلب شدن برای دولت جمهوری از حقوقی است که مطابق اصل ۱۱۵ قانون اساسی برای هر شهروند ایرانی به رسمیت شناخته و اعلام داوطلبی و ثبت نام به منزله قبول قیومیت فردی و یا شورایی نیست و تنها مردم هستند که می‌توانند از بین داوطلبان آنانی را که واجد صلاحیت می‌یابند برگزینند.

۸- چرا اعمال و روش اعضاء شورای نگهبان به حدی جهت‌دار و مسئله برانگیز است که حتی روزنامه‌های طرفدار حاکمیت هم صدای اعتراض خود را بلند کرده‌اند.

۹- از آنجا که اعضاء شورای نگهبان تصمیماتی را اتخاذ کرده‌اند که برخلاف قانون اساسی بوده و همچنین بی‌طرفی خود را در امر نظارت بر انتخابات از دست داده و به طور علنی به کمک جناحی از حاکمیت شتافته‌اند و مردم کشورمان را که سرمایه اصلی و محور اساسی هر انتخاب سالم است از انتخابات قانونی‌شان محروم ساخته‌اند، ضرورت دارد مردم و همه گروه‌های ملی و مردمی از همه امکانات استفاده کرده و صدای اعتراض خود را بلند کنند.

ما با توجه به مطالب بالا علی‌رغم نقض آشکار حقوق و آزادیهای مردم مصرح در قانون اساسی و بایکوت خبری رسانه‌های داخلی و خارجی و در نتیجه عدم امکان ارتباط با مردم، در انتخابات ریاست جمهوری شرکت می‌کنیم تا با ریختن «رأی اعتراض» در صندوقها، اعتراض خود را به چگونگی برگزاری انتخابات و عملکرد شورای نگهبان و تضییع حقوق و آزادیهای اساسی ملت به طور قانونی اعلام داریم. نظر به این که مطابق قانون جدید انتخابات در صورت نوشتن نام داوطلبان تأیید نشده به روی اوراق رأی، آراء مذکور جزء آراء مأخوذه منظور نمی‌شود، ما رأی اعتراض «سفید» در صندوقها می‌ریزیم و مردم می‌توانند با خط زدن محل مخصوص مربوط به نام داوطلبان با کشیدن یک ضربدر روی برگ رأی، که مانع سوءاستفاده‌های احتمالی بعدی می‌شود، رأی خود را به صندوق بریزند.

در شرایطی که امکان هر نوع اعتراض قانونی و مسالمت آمیز از مردم سلب شده است. مردم می‌توانند با حضور در مراکز رأی‌گیری و دادن «رأی سفید» اعتراض خود را به عملکرد یک جانبه شورای نگهبان اعلام نمایند.

امید است مشارکت در انتخابات ضمن مقابله با روحیه بی‌تفاوتی و ناامیدی بسیاری از اقشار جامعه زمینه لازم برای تحقق مشارکت سیاسی و شکل‌گیری مؤثر مبارزات قانونی و مسالمت آمیز مردم را فراهم سازد.

حاج محمدتقی انوری - حاج سید احمد اسکوئی - حاج حسن اسکوئی - دکتر زهرا احمدی - مهندس احمد اخوان - مهندس ابوالفضل بازرگان - محمد بسته‌نگار - دکتر جواد براتی - دکتر محمود پیش‌بین - مهندس محمد توسلی - دکتر پرویز تهامی - مهندس ابوالفضل حکیمی - محمد حمیدپور - مهندس فرزاد حائری‌زاده - دکتر محمدجواد خواجوی - محمد خلیل‌نیا - اکبر خرازی - دکتر حبیب داوران - احد رضایی - دکتر سید رضا زمانی - علی زرینه‌باف - مهندس میرهاشم سجادی - دکتر محمد سیار - دکتر مینا شمسعلی - مهندس عزت‌الله سبحانی - مهندس جلال شرافت - مهندس هاشم صباغیان - مصطفی مسکین - مهندس رضا مسموعی - مهندس علی‌اکبر معین‌فر - خسرو منصوریان - ابوالفضل میرشمس شهشهانی - حاج محمد محمدی اردهالی - پرفسور احمد مهرداد - مهندس نورالدین موسوی - دکتر هادی هادی‌زاده - نورالدین هاشمی - دکتر ابراهیم یزدی

۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۷۶

## اعتراض به جلوگیری از سفر دکتر سروش به خارج از کشور

در انتخابات اخیر ریاست جمهوری در دوم خردادماه، میلیونها ایرانی به پای صندوق‌های رأی رفتند و با آرای سنگین و بی‌سابقه خود دنیا را متحیر ساختند. ملت ایران در این انتخابات پیام رسای خود را مبنی بر رد سیاست‌ها و عملکرد نادرست حاکمیت و ضرورت قانونمند شدن جامعه و تأمین حقوق و آزادی‌های اساسی خود به دنیا اعلام کرد.

انتظار همگان آن بود که تصمیم‌گیرندگان و مسئولان اجرایی کشور، از این تحول بی‌سابقه عبرت گیرند و در راستای احترام به کرامت انسانی و با تمکین از خواست و اراده ملت، از قانون‌شکنی و تجاوز به حقوق مردم دست بردارند. اما متأسفانه ادامه رفتارهای خلاف قانون حاکی از آن است که گویا فریاد پرطنین ملت به گوش عده‌ای نرسیده است و علی‌رغم انقلاب روز دوم خردادماه، رئیس قوه قضائیه اعلام می‌کند که جز روحانیون کسی حق دخالت در سیاست و حکومت را ندارد و امام جمعه یکی از شهرها نیز مدعی می‌شود که انتخابات رویه‌ای غیراسلامی و تحفه‌ای وارداتی از غرب است!!

در چنین جوی، به موجب نامه‌ای که آقای دکتر عبدالکریم سروش، متفکر برجسته اسلامی، خطاب به آقای رئیس‌جمهور نوشته‌اند، از سفر ایشان به خارج از کشور برای شرکت در کنفرانس‌های علمی - دانشگاهی جلوگیری شده است. به موجب همین نامه برخی از مقامات امنیتی با صراحت خود را مافوق قانون دانسته و حاضر به اجرای آن نیستند. در حالی که به موجب قانون هر شهروندی حق دارد به هر کجا که می‌خواهد، از جمله به خارج از کشور، آزادانه سفر کند و هیچ مقام یا نهادی حق ندارد او را از چنین حقی محروم سازد مگر به حکم یک دادگاه صالحه.

با توجه به نکات بالا ما امضاکنندگان زیر به منظور دفاع از حقوق قانونی شهروندان به این رفتار غیرقانونی مقامات امنیتی در جلوگیری از سفر آقای دکتر عبدالکریم سروش به خارج از کشور شدیداً اعتراض می‌نماییم.

تیرماه ۱۳۷۶

عباس ابوذری - مهندس ابوالفضل بازرگان - مهندس عبدالعلی بازرگان - محمد بسته‌نگار - دکتر محمدحسین بنی‌اسدی - دکتر غلامعباس توسلی - مهندس محمد توسلی - ابوالفضل حکیمی - عبدالکریم حکیمی - مهندس امیر خرم - محمد خلیل‌نیا - مهدی دادی‌زاده - دکتر حبیب داوران - احد رضایی - مهندس میرهاشم سجادی - دکتر یدالله سبحانی - مهندس عزت‌الله سبحانی - دکتر محمد سیار - میرشمس شهبهانی - مهندس هاشم صباغیان - سیداحمد صدر حاج سیدجوادی - مهندس اکبر طاهری - مهندس یوسف طاهری - محمدجعفر عمادی - محمود عمرانی - دکتر سیدعلی اصغر غروی - دکتر مقصود فراستخواه - دکتر غفار فرزندی - دکتر حسن فرید اعلم - سیدمصطفی قضاات - حجت قیاسی - مهندس محسن محقق - محمد محمدی اردهالی - مصطفی مسکین - مهندس رضا مسموعی - عباس مصلحی - مهندس علی اکبر معین‌فر - هرمز ممیزی - پروفیسور احمد مهراذ - خسرو منصوریان - مهندس ولی‌الله میرخانی - مهندس محمود

نعیم پور - محمود نکوروح - مهندس تقی نکوفر - فخرالسادات نوربخش - مهندس اکبر والی - دکتر هادی  
هادی زاده - حسن هادی فر - سیدنورالدین هاشمی - مهندس علیرضا ہندی - دکتر ابراهیم یزدی - حسن  
یوسفی اشکوری.